

قاتل باران مادرش است یا ناپدری اش؟!

تراژدی تلخ قتل باران کوچولو



باران کوچولو

فاطمه شیخ علیزاده / تراژدی قتل فرشته کوچکی به نام باران در شهرک علائین...

زنان آتش نشان چه عملیاتی‌هایی خواهند داشت؟! ۱۶ زن قهرمان تهرانی به دل آتش می‌زنند



و در کمترین زمان ممکن زنان آتش نشان به تیم امداد می‌پیوندند و راهی محل حادثه می‌شوند.

زنان آتش نشان به کدام عملیاتی‌ها اعزام می‌شوند؟ در دوره‌های آموزشی، زنان آتش نشان همه تکنیک‌ها و یادگیری‌های مورد نیاز امداد برای همه عملیاتی‌ها...



مدرک تحصیلی ۱۶ زن آتش نشان تهران

اولین زنان آتش نشان برای پذیرفته شدن باید در چند رشته خاص تحصیل کرده باشند. این ۱۶ زن آتش نشان نیز در چند رشته شیمی، معماری و روانشناسی تحصیلات دانشگاهی دارند.

آتزی آذری زنان آتش نشان از ماه دوم سال ۱۴۰۲ به طور رسمی وارد تیم عملیاتی امداد پایتخت می‌شوند.

است. در اردیبهشت ۱۴۰۲ دیگر وعده‌ها به عمل خواهد رسید و رسماً ۱۶ زن به جمعیت فعال و تیم‌های عملیاتی آتش نشانی تهران افزوده می‌شوند.

جدایی ایستگاه‌های زنان و مردان آتش نشان تهران

زنان آتش نشان در حالی وارد تیم‌های عملیاتی امداد و نجات می‌شوند که برای استقرار زنان آتش نشان، ایستگاه جداگانه‌ای تعبیه شده است و در ایستگاه‌هایی که آتش نشان‌های مرد حضور دارند مستقر نیستند اما فرمانده عملیاتی‌ها فعلاً مرد است.



که بیدار شدم متوجه شدم باران نفس نمی‌کشید. یک آینه پایین پایش و یک آینه هم بالای سرش بود. او از آینه و رد و برق می‌ترسید. از افشین پرسیدم چه بلایی سرش آمده اما او اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد.

بروم به آن خانه دیگر برنمی‌گردم. به فکر افشین افتادم و یا او تماس گرفتم و او به من پناه داد. زندگی من و افشین شروع شد. او به من محبت داشت و این همان چیزی بود که سال‌ها در زندگی‌ام از کسی ندیده بودم.

هفت‌سین مادر کنار جسد باران کوچولو

زندگی مادر باران با افشین با تمام مسایلی‌های‌خلاف که در آن موج می‌زد اما مسالمت‌آمیز بود! تا اینکه باران در خانه افشین به قتل رسید: «مصرف مواد من زیاد شده بود. روزها در خانه‌های مردم کار نظافت می‌کردم و غروب که می‌شد خسته می‌شدم و می‌خوابیدم. شمرک برگ باران هم با خستگی به خانه رسیدم و مواد مخدر مصرف کردم و خوابیدم. صبح روز بعد...



مادر باران، یک قاتل دخترم نیست!

مادر باران یک ماه بعد از کشف جسد دخترش در یخچال خانه افشین، قتل او را کردن گرفت. وی صحنه قتل را هم بازسازی کرد اما حالا حرفش را عوض کرده و می‌گوید که قاتل دخترش نیست!

افشین یا مادر باران؟!

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل آبان سال قبل زمانی که مأموران مبارزه با موادمخدر وارد خانه یک قاچاقچی شدند، در یخچال خانه جسد یک دختر بچه ۷ ساله به نام باران را کشف کردند و به این ترتیب در مخوف این خانه به یک جنایت گره خورد. بلافاصله دکتر مجید باقری بازپرس کشیک قتل شهری برای رسیدگی به موضوع در صحنه جنایت حاضر شد اما آن روز هیچ کس تصورش را هم نمی‌کرد که باران چه عذابی را در نایب‌های پایانی عمرش تحمل کرده باشد.

مادر باران، یک قاتل دخترم نیست!

بازپرس پرونده برکه پزشکی قانونی را جلوی چشمانش می‌گذارد و به او می‌گوید که باران جانش را در یخچال از دست داده است. وی از همان لحظه منقلب می‌شود و فضای اتاق بازجویی ملو از هق هق او می‌شود. بعد انگار سر می‌خورد در خاطرات گذشته‌اش. به روزهای زندگی با افشین، قبل از آن که با پدر باران روزهای تلخ و سیاهی داشت. به روزهای مجردی‌اش و دورتر و دورتر. لخله‌های شربین در زندگی او به حدی کم‌رنگ بوده که آنها را به سختی به خاطر می‌آورد: «تا قبل از فوت پدرم همه چیز در زندگی مان خوب بود. همه دنیای من درس بود. در المپیاد ریاضی کشوری نفر دوم شده بودم و داشتم خودم را برای المپیاد جهانی آماده می‌کردم که با فوت پدرم همه چیز در زندگی مان به هم ریخت. هر روز در خانه‌مان بلوا به پا می‌شد و اوضاع روحی من خیلی بد بود. بنا این حال در رشته کامپیوتر قبول شدم و لیسانس‌م را گرفتم. در همان روزهای دانشجویی بود که پدر باران به خواستگاری‌ام آمد. برادرم می‌گفت مرد خوبی است و من...

مردی تحت شکنجه اقرار به رابطه سیاه کرد

گره کور در خیانت زن و شوهر تهرانی

کنترل کند، اما وقتی همسرش او را در مغازه دید سروصدا راه انداخت. ساعت یک همان شب، شهرام و برادرهایش مرا با ماشین ربودند و به سپهر رویا در جایگاه مهم ایستاد و گفت: باور کنید از رفتارهای بد همسرم خسته شده بودم. به همین خاطر خانه را ترک کردم چون می‌دانستم شهرام خانه مجردی گرفته تا به راحتی بتواند با زنان زیادی در ارتباط باشد. به مغازه تراشکاری رفتم و از کلاه که مستاجر سابق همسرم بود تقاضا کردم اجازه دهم چند روزی را آنجا بمانم. من آنجا نشسته بودم و رفت و آمدهای همسرم را کنترل می‌کردم. آخرین بار ساعت ۱۰ شب بود و کلاه می‌خواست مغازه را ببندد به همین خاطر کرکره را پایین کشیدم و من می‌خواستم از مغازه خارج شوم که همان موقع همسرم سر رسید و سروصدا به راه انداخت. من اتهام رابطه پنهانی با کلاه را قبول ندارم. سپس کلاه که با قرار وثیقه آزاد بود روبرو قضاوت ایستاد. وی نیز اظهارات رویا را تأیید کرد و گفت: من دلم برای زن جوان سوخته بود و می‌خواستم به او کمک کنم. به همین خاطر اجازه دادم تا در گوشه‌ای از مغازه بنشیند و رفت و آمدهای شوهرش را...



قصداً همسرم را هنگام خیانت بگیرم و از او شکایت کنم اما او وقتی مرا در مغازه تراشکاری مستاجر سابقش دید شروع به داد و فریاد کرد و سپس چنین شکایتی را علیه من مطرح کرد. کلاه نیز اظهارات این زن را تأیید کرد. برای رویا و کلاه کیفرخواست صادر و پرونده آنها به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در این میان شهرام فیلمی از کلاه ارائه داد که با سسرو صورت کیود اقرار کرده بود با رویا در ارتباط بوده است.

اختلاف قدیمی زن و مرد جوان با شکایت سیاه به دادگاه کیفری یک استان تهران کشیده شد. به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اواخر زمستان پارسال آغاز شد. مرد ۳۹ ساله‌ای به نام شهرام از همسر ۳۵ ساله‌اش به نام رویا شکایت کرد و مدعی شد این زن بعد از ۱۵ سال زندگی مشترک به وی خیانت کرده است. شهرام در تشریح شکایتش گفت: من رویا ۱۵ سال قبل زندگی مشترکمان را آغاز کردم اما همیشه با هم اختلاف داشتیم تا اینکه ۲۰ روز قبل او خانه و زندگی را رها کرد و به خانه پدری‌اش رفت.

عجیب‌ترین جنایت

زن ۶۰ ساله شوهرش را با عصا کشت

زن عصبانی که از فحاشی و خساست های شوهرش ۶۰ ساله‌اش خسته شده بود در یک اقدام جنون آمیز شوهرش را با ضربه‌های عصا کشت. قاضی محمد عنبری بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی کرج در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار «ایران» گفت: رسیدگی به این پرونده از ۲۸ اسفندماه پارسال به دنبال تماس تلفنی پسر جوانی با اداره پلیس شروع شد. این پسر جوان درحالی که از مرگ پدر ۶۵ ساله‌اش شوک زده شده بود، مدعی شد که پدرش به طرز باورنکردنی توسط مادرش ۶۰ سال سن دارد، به قتل رسیده است. فرید در اظهاراتش گفت در زمان مرگ پدرش در خانه نبوده و برای خرید به مغازه رفته است و وقتی به خانه برمی‌گردد با شیشه شکسته پنجره و صحنه مرگ دلخراش پدرش روبه‌رو شده است. او مدعی شد که مادرش گفته است پدرت را با عصا کشتیم. زن ۶۰ ساله در بازجویی مدعی شد که شوهرش مرد خسیسی بوده است طوری که برای استفاده از دستمال کاغذی باید از او اجازه می‌گرفت روزی حادثه پس از خوردن قرمه سبزی که برای ناهار پخته بودم شوهرم که مدتی بود زمینگیر شده و با عصا راه می‌رفت شروع کرد به ناسزاگویی. این اخلاق او سال‌ها بود مرا آزار می‌داد. دیگر از این همه احساس حقارت خسته شده بودم. او مدام به من ناسزا می‌گفت و خساست‌هایش باعث رنجم شده بود تا اینکه در یک چشم برهم زدن فهمیدم چه کار می‌کنم، عصایش را گرفتم و با گفتن جمله چه خیر است چرا به من فحش میدی دیگر اختیار از دستم خارج شد و با همان عصا به سر و صورتش کوبیدم تصاویر ادیت کردن هایش مقابل چشمانم بود تا اینکه پسرم از راه رسید و تازه فهمیدم چه کار کردم. زن ۶۰ ساله با چتهای ظریف و کوچک خودش را قاتل شوهرش معرفی کرد. قاضی عنبری به خبرنگار «ایران» گفت: به دنبال اعتراف‌های این زن در صحنه جنایت بازسازی صحنه جرم هم در همان لحظه انجام شد. بازپرس جنایی درباره نظریه جرم شناسی این پرونده گفت: متأسفانه باید بگویم که خشونت‌طلبی سن و سال نمی‌شناسد و مدیریت خشم در هر سنی بسیار مهم است. در این پرونده چیز مهمی که می‌توانست جلوی وقوع جرم را بگیرد نقش سایر اعضای خانواده است. متأسفانه علی‌رغم اینکه فرزندان قاتل و مقتول از درگیری‌های آنها باخبر بودند اما هرگز سعی نکردند با ایجاد فضای صلح و محبت آمیز مشکلات آنها را حل کنند. وی درباره محیط جنایی‌ی داخلی داخل خانه نیز گفت فضای بصری و پاکیزگی خانه و بوی خوش نیز در ایجاد انرژی مثبت عاری از افکار منفی نقش بسزایی دارد. بسیاری تنش‌های زوجین به خاطر عدم مدیریت خشم صورت می‌گیرد که در نهایت اتفاق‌های جبران‌ناپذیری رخ می‌دهد که باعث پشیمانی خواهد شد.